

در نامه «گوهر» ، این مبحث گشوده میشود و صاحب نظران و نقادان میتوانند، با رعایت کامل همه جوانب کار، هر شعر یا اثر و کتاب و رساله و مقاله را، در کمال ادب و نزاکت و انصاف و بطور مستدل و منطقی ، مورد بحث و نقد قرار دهند و نظرات صائب خود را، آزادانه، ابراز دارند.

این نکته گفتنیست که ، بر حسب اصول متعارف و متداول جهان، نوشته‌ای و کتابی و بطور کلی اثری در خور بحث و نقد صاحب نظران است که براساس بلندپایه و گرانمایه و نغز و سنجیده و مهم و عالی و صاحب آن عالم و فاضل و محقق و متبحر باشد و در حقیقت بارزش نقد و بحث بیارزد. پس، از این نظر، انتقاد علامت تقدیر و تحقیر نیست بلکه نشان تکریم و تعظیم است.

# نقد و بحث

(۱)

گوهر

## نقد و بحث بر کتاب مجمل التواریخ والقصص

تصحیح شادروان استاد ملك الشعراء بهار (چاپ اول ۱۳۱۸ شمسی)

(دنباله شماره پیش)

ص ۱۷۹ س ۱۷ لیف خطا به ریف صواب  
ص ۱۸۰ س ۱۵ اثنی خطا اثنتین صواب. در سنه اثنتین و خمسين وثلاثمائة  
ص ۱۸۰ حاشیه ۴ کعبه قطعه، این عبارت در قاموس نیست بلکه آنرا در لسان العرب دیده‌ایم  
ص ۱۸۱ س ۱ حماً بدین شکل نادرست است و باید همزه زیر الف گذاشته شود نه پشت سر  
آن.

\* آقای عبدالحمید بدیع الزمانی، استاد دانشکده ادبیات والهیات دانشگاه تهران، از ادیبان و دانشمندان نامدار معاصر.

- ص ۱۸۲ س ۱۷ هبت‌اله خطا هبة‌اله صواب
- ص ۱۸۲ س ۱۸ عرفاة خطا عرفات صواب
- ص ۱۸۲ س ۲۰ آدم برایشان بهستی خدای تعالی گواه گرفت. مؤلف در تفسیر آیه اشتباه کرده و باید چنین باشد: خدا آنانرا برخواستن گواه گرفت.
- ص ۱۸۳ حاشیه ۱ ظهر الیسری خطا ظهره صواب
- ص ۱۸۳ حاشیه ۱ ظهر الیسری خطا ظهره الیسری صواب ومسح صفحه ظهره الیسری فاخرج منه کهیئته الذر سوداً
- ص ۱۸۴ س ۷ برای‌العین باید روی الف همزه گذاشته شود برای‌العین
- ص ۱۸۵ حاشیه ۲ نشی خطا شیء صواب
- ص ۱۸۵ حاشیه ۲ الخلاق خطا الخلاق صواب
- ص ۱۹۰ س ۱۶ «باخود» در چاپ نگرفته. اورا با خود ببرد
- ص ۱۹۲ س ۳ «مهمان دارد» خطا ظاهراً باید مهمان‌دار باشد وایشانرا گوساله‌ای بریان پیش‌نهاد که مهمان‌دار بر عادت چون بدانست که نه آدمی‌اند عظیم بترسید
- ص ۱۹۵ س ۲ رفتن خطا رفت صواب وبعضی گویند: چون از عیص بگریخت بشباندر رفت به نزدیک خال
- ص ۱۹۵ س ۱۳ بشر خطا بشرآ صواب ما هذا بشرآ ان هذا الاملك کریم
- ص ۱۹۵ س ۱۸ خزاین خطا خزائن صواب
- ص ۱۹۵ س ۱۹ ارقط خطا از ققط صواب. (اشتباه چاپی است)
- ص ۱۹۶ س ۵ یابنی بهضم‌باء خطا وبنی بفتح‌باء صواب یابنی اذهبو فتحسوا من یوسف واخیه ولانیا سوا من روح‌اله
- ص ۲۰۰ س ۲۲ کم تبصروا خطا لم تبصروا به صواب. بصرت بمالم ببصروا به

پژوهشگاه علوم انسانی ۲ مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

## نقد و بحث بر مقاله نفوذ فرهنگ و هنر ایران در چین

نوشته رکن‌الدین همایونفرخ (شماره اول)

از اینکه از شماره دوم نامه‌گوهر باب بحث و انتقاد را گشوده‌اید روشن میشود برآید در هر شماره بر مزایای آن بیفزائید و در راه کمال این نامه گامی دیگر بردارید.

جزاین هم انتظار نمیرود زیرا مندرجات نامه تحقیقی گوهر، در همین عمر کوتاه، اکنون مورد توجه خواص قوم است و باید عندالحاجه حجت باشد و مطلبی غیر مستدل و غیر مستند در آن بچشم نخورد. در شماره اول (بهمن ماه) در مقاله آموزنده و ارزنده و نفوذ فرهنگ و هنر ایران در چین، بخامه آقای همایونفرخ، در صفحه ۴۸، خطائی آشکار وجود دارد که حیف است باقی بماند و صواب آن نوشته نشود. ایشان از فردوسی شعری آورده‌اند بدین قرار

بیامد یکی مرد گویا زچین  
که چون او مصورنه بیند زمین  
بدان چرب دستی رسیده بکام  
یکی پرمنش مرد «مانی» بنام

و بعد نوشته‌اند: «بطوریکه ملاحظه میشود فردوسی در این گفته خود مردد است و میفرماید گویا که مردی ازچین آمد و همین توهمات است که موجب شده دیگران تصور کنند نقاشی ازچین بایران آمده...» این استنباط آقای همایونفرخ از شعر فردوسی درست نیست و خطا از آنجا پیش آمده است که ایشان گویا را بجای گوئی گرفته‌اند. درحالیکه گویا صفت مرد است مانند مرد دانا، مرد بینا، مرد سخندان، مرد بخرد، و در شاهنامه فردوسی و در آثار دیگر شاعران، امثال و شواهد آن بقدری زیاد است که نیازی بذکر نیست.

«امضاء محفوظ»

## زهی پادشاهی، زهی سلطنت

پدید آورم از ره دهقنت  
زهر دو نان، بعد از این مسکنت  
زهی پادشاهی، زهی سلطنت

مرا لقمه‌ای نان که درخور بود  
بنزدیک دونان نخواهم نمود  
من و طاعت و گوشه عافیت

امیر سید بدرالدین محمود ابن‌زمین  
قرن هشتم هجری قمری